

زندگی‌های رازی

یاسر مالی و احسان رضایی



رازی گفت: «حالا که من و تو اینجا تنها هستیم، می‌خواهم مطلبی را بگویم. یادت هست به سربازانت دستور دادی دست و پای مرا ببندند و از جیحون رد کنند تا به دربار تو بیایم؟ تو آن روز به من توهین کردی. حالا اگر تو را در همین خزینه خفه کنم و بگریزم، چه کاری از دستت برمی‌آید؟»

امیر سامانی از عصبانیت به لکنت افتاده بود و مدام به رازی ناسزا می‌گفت. رازی گفت: «به من ناسزا می‌دهی؟ حالا سرت را می‌برم.»

آن وقت شمشیرش را کشید. امیر سامانی از شدت عصبانیت بلند شد و به دنبال رازی رفت. امیر پس از چند لحظه ماجرا را فهمید. او سال‌ها بود که فلج شده بود. حالا در نتیجه درمان‌های چندماهه رازی و در نهایت، این عصبانی کردن عمدی، امیر توانسته بود روی پایش بایستد. پس به سرعت به دنبال رازی فرستاد تا او را برگرداند و از او تقدیر کند. اما حکیم از سرزمین سامانیان رفته بود. او پاداشش را از راه دور قبول کرد، ولی عذر خواست و نوشت: «دیگر بر نمی‌گردم، چون ممکن است امیر با یادآوری آن صحنه عصبانی شود و فرمان قتلم را بدهد.»

در شرح حال رازی گفته‌اند: «وقتی چشمش بر اثر بخارهای حاصل از کار با مواد شیمیایی آسیب دید، او را نزد **کحال** (چشم‌پزشک) بردند. کحال در قبال درمان چشمانش ۵۰۰ دینار خواست و به رازی گفت: «بین من چه پولی درمی‌آورم. کیمیا این است، نه آنچه تو دنبالش هستی!»

این صحبت رازی را مشتاق کرد طب بیاموزد. بعضی گفته‌اند رازی در سفری به بغداد به پزشکی علاقه‌مند شد. به گفته مورخان، رازی در میان‌سالی (بین سی تا چهل سالگی) آموختن طبابت را آغاز کرد و فقط حدود شصت سال زندگی کرد که در اواخر آن به‌طور کامل نابینا بود. شگفت‌آور است، کسی ظرف حدود ۲۰ سال، علم پزشکی را از صفر تا صد (بلکه خیلی بیشتر از آن!) طی کند و بتواند این حجم عظیم تجربه، ابداع و تألیف داشته باشد و در کنارش نیز به‌طور مفصل به علوم دیگر، از فلسفه و اخلاق گرفته تا ریاضیات و شیمی بپردازد (شهرت رازی در شیمی از جمله برای کشف الکل خیلی بیشتر از پزشکی است).

علت کم‌بینایی پیش‌رونده رازی که در نهایت به نابینایی کامل رسید، معلوم نیست، ولی به‌طور قطع این همه مطالعه و تألیف (آن هم در روزگاری که عینک وجود نداشته) در بدتر شدن مشکل چشم او نقش داشته است. معروف است که هیچ‌کس رازی را در حال خواب ندیده است. او در حال دراز کشیدن هم کتاب می‌خواند؛ به این صورت که کتاب خود را به دیوار تکیه می‌داد تا همین که خوابش برد، کتاب روی سرش بیفتد و از خواب بیدار شود تا باز مطالعه کند.

گفته‌اند رازی پزشک فقرا بود، نه پادشاهان. اغلب پزشکان معروف آن زمان در خدمت پادشاهان بودند و از این طریق به قدرت و پول فراوان می‌رسیدند یا دست‌کم تأمین مالی داشتند تا با خیال راحت به کارهای علمی‌شان برسند. رازی با همه شهرتش در طب و کیمیا، به

دنبال پول

نبود و تمام عمرش به تنگدستی گذشت. می‌گویند وقتی همسرش از او جدا شد، رازی حتی آن‌قدر پول نداشت که ۱۰ درهم مهریه او را بپردازد.

رازی معتقد بود دانشجوی پزشکی فقط باید یک استاد داشته باشد. زیرا اگر از چند استاد بیاموزد، اشتباه‌های همه آن‌ها را یاد خواهد گرفت. شاید به همین دلیل مجلس درس او آرایش خاصی داشت: شاگردانش دور او حلقه می‌زدند، شاگردان آن‌ها دور آن‌ها و باز شاگردان این شاگردان به دور آن‌ها. احتمالاً دلیلش این بوده است که باسابقه‌ترها بتوانند حرف‌های استاد را برای پایین‌ترهای خود توضیح دهند. مریضا را نیز اول شاگردان شاگردان می‌دیدند و اگر از عهده بر نمی‌آمدند، شاگردان سطح‌های بالاتر و در نهایت اگر باز سؤال داشتند، خود رازی بیمار را می‌دید. این الگوی تدریس چیزی شبیه دور ویزیت امروزی و سطح‌بندی دانشجویان پزشکی است. رازی مدتی در بغداد و ری مدیر بیمارستان بود. گفته‌اند او از میان ۵۰ نفر برای مدیریت بیمارستان برگزیده شد. یعنی نوعی آزمون علمی و مدیریتی از او گرفته شد.

«الحاوی»، نوشته رازی، حجیم‌ترین کتاب پزشکی ایرانی است. گرچه متن کامل آن به دست ما نرسیده، ولی در آن برای مثال نام ۸۲۹ دارو و خواص آن‌ها به‌صورت الفبایی آمده است. قسمتی از کتاب «الحاوی» به نام «قصص حکایات المرضى» نیز جداگانه منتشر شده که شامل روایت‌های رازی از ۳۴ بیمار است. رازی مشاهده‌های خود را بسیار دلچسب و شیرین نوشته و در آن‌ها صادقانه حتی نقاط ضعف کارش را بیان کرده است. رازی به قدری بزرگوار بوده و اعتمادبه‌نفس داشته که نیازی ندیده است از خودش تعریف کند. بلکه به عمد مواردی را بیان کرده است که برایش سخت بوده و ابتدا باعث حیرانی‌اش شده‌اند.

رازی معتقد است که فقط افراد نادان فکر می‌کنند طبابت کار آسانی است؛ پزشکان واقعی همیشه با مشکلات روبه‌رو می‌شوند. رازی طبیبی مردمی بود و در کنار کتاب‌های طبی - تخصصی، کتاب‌های مردمی و راهنمای پزشکی، مانند «برءالساعة» (بهبود فوری یا درمان در یک ساعت) و «من لایحضره الطیب» (برای کسی که به طبیب دسترسی ندارد) نیز نوشت. «من لایحضره الطیب» کتابی به نسبت کوچک است که می‌توان آن را در سفر به همراه داشت. این کتاب از امراض سر شروع و به پایین بدن ختم می‌شود. «برءالساعة» نیز اولین کتاب در تاریخ با موضوع «طب اورژانس» است و برخی گفته‌اند آخرین نوشته رازی بوده است. رازی قدیمی‌ترین رساله درباره تشخیص آبله و سرخک را نوشته که تا ۲۰۰ سال پیش در اروپا مورد توجه بوده است.

با توجه به نوشته‌های رازی، ایرانیان را باید بنیان‌گذار طب کودکان در جهان دانست. «رساله اطفال» رازی بارها و بارها در اروپا چاپ

شده است.

به‌خاطر دیداری که پزشکان چینی با رازی داشته‌اند، می‌گویند او حتی بر طب چینی تأثیر گذاشته است. رازی مفهوم «تشخیص افتراقی» (مطرح بودن تشخیص‌های مختلف با توجه به تظاهرات بیمار) را ابداع کرد و اولین کسی بود که از احوال بیماران و اقدامات پزشکی انجام شده یادداشت‌های روزانه می‌نوشت که امروزه به «سیر بیماری» معروف است.

رازی نخستین بار در جهان محلولی بی‌هوش‌کننده ساخت که قبل از جراحی، آن را با اسفنجی جلوی بینی بیمار نگه می‌داشت. او اولین کسی بود که برای استریل کردن ابزارهای جراحی از مایع صفاوی تازه استفاده کرد. همچنین از اتانول اکتشافی خودش برای ضدعفونی زخم و وسایل جراحی بهره گرفت. اولین بار رازی به خاصیت ضدعفونی‌کنندگی ترکیبات جیوه پی برد (ترکیباتی مثل مرکور کرم یا همان «دواگلی» که تا چند سال پیش به جای بتادین به کار می‌رفت). او از ترکیبات جیوه پمادی برای ضدعفونی زخم تولید کرد. همچنین، چند ابزار جراحی جدید اختراع کرد که از جمله آن‌ها شکلی اولیه از اره امروزی بود که از آن برای بریدن استخوان استفاده می‌کرد. با روده تابیده‌شده گوسفند هم زخم‌ها را بخیه می‌زد. رازی اولین کسی بود که توصیه کرد حفره‌های پوسیده دندان با سیمانی متشکل از نوعی صمغ چسبنده و زاج پر شوند.

رازی اولین کسی بود که شرح داد: «بینایی در نتیجه خروج شعاع نور از چشم به سمت جسم مورد نظر نیست، بلکه شعاع نور از جسم به سمت چشم می‌رود.» تصحیح نهایی این مطلب از لحاظ طبی توسط ابن‌سینا و از نظر فیزیکی توسط ابن‌هیثم انجام شد. رازی رفلکس مردمک (گشاد و تنگ شدن مردمک در مقابل تغییر شدت نور) را کشف کرد و علت آن را ماهیچه‌های کوچکی دانست که به شدت نور واکنش نشان می‌دهند. او برای اولین بار در تاریخ، تب یونجه (آلرژی فصلی)، پیشگیری و درمان آن را شرح داد. همچنین برای اولین بار در تاریخ پزشکی، به این واقعیت پی برد که تب سازوکار دفاعی بدن در مقابل بیماری‌هاست. رازی شاگرد جابر بن حیان بود که او نیز شیعه و شاگرد امام صادق (ع) محسوب می‌شود. تحقیقات جابر از پایان قرن دوم تا آغاز قرن سوم هجری ادامه داشت. با ظهور او، کیمیا نزد مسلمانان از صورت «صنعت زر خرافی» به‌صورت «دانش تجربی آزمایشگاهی» درآمد. اولین آزمایشگاه به‌معنای واقعی و امروزی آن متعلق به جابر بوده است.

* برگرفته از کتاب: «سرگذشت پزشکی در ایران»، نوشته

یاسر مالی و احسان رضایی.

سال ۱۳۹۴. نشر افق.